

بررسی رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با نرخ موثر مالیاتی شرکت‌ها

فرزین رضایی^۱

غلامرضا کردستانی^۲

محسن شهری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۳۰

چکیده

هدف اساسی تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی با نرخ موثر مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در این تحقیق، نرخ موثر مالیاتی از دو جنبه تعهدی و نقدی مورد توجه قرار گرفته است. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس می باشد که داده های آنها در طول ۹ سال (۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰) گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. الگوی آزمون فرضیات از تحقیق ماهنتیران (۲۰۱۱) اقتباس شده است. در این الگوی رگرسیونی نرخ موثر مالیاتی (تعهدی و نقدی) به عنوان متغیر وابسته و تابعی از ساختار حاکمیت شرکتی و متغیرهای کنترلی تلقی شده است. جهت انتخاب نمونه آماری مناسب، در این تحقیق از روش نمونه گیری حذفی سیستماتیک (غربالگر) استفاده شده است. در مجموع، یافته ها نشان می دهند که بین ساختار حاکمیت شرکتی با نرخ موثر مالیاتی ارتباط مستقیم و معنادار برقرار می باشد.

واژه‌های کلیدی: نرخ موثر تعهدی مالیاتی، نرخ موثر نقدی مالیاتی، درصد مالکیت دولتی، درصد مالکیت مدیریتی، ترکیب هیات مدیره

۱ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. farzinrezaei@yahoo.com

۲ - عضو هیات علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) kordestani@soc.ikiu.ac.ir

۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات قزوین (نویسنده مسؤل)

۱- مقدمه

در یک نگاه کلی، حاکمیت شرکتی^۱ شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی است که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت ها را تعیین می کنند. عناصری که در این صحنه حضور دارند، عبارتند از سهامداران و ساختار مالکیت ایشان، اعضاء هیئت مدیره و ترکیبشان، مدیریت شرکت که توسط مدیر عامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می شود و سایر ذینفع ها که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند.

اساسی ترین رکن بحث حاکمیت شرکتی، اطمینان یافتن از اعمال حاکمیت صحیح سهامداران بر اداره شرکت و هدایت فعالیتهای عملیاتی به سمت سودآوری است. با وجود این، وجود حالاتی خاص سبب می گردد که اعمال این حاکمیت مخصوصاً برای سهامداران اقلیت با موانعی روبرو شود و منافع ایشان را در شرکتهای سرمایه پذیر تحت تاثیر قرار دهد (توتاخانه، ۱۳۸۷). در این راستا تحقیقات زیادی، تاثیرات ساختار حاکمیتی شرکتها بر عملکرد و محیط گزارشگری مالی آنها را بررسی نموده و نشان داده اند که حاکمیت شرکتی مطلوب، به طور بالقوه تضاد منافع در شرکتها را از طریق ارائه اطلاعات شفافتر و حمایت از حقوق ذینفعان، کاهش می دهد (برای مثال بوشی و همکاران، ۲۰۰۸؛ عبدالله، ۲۰۰۹؛ توتاخانه، ۱۳۸۷). از این رو، حاکمیت شرکتی مکانیزمی است که از طریق اعمال آن، تعارضات نمایندگی برطرف گردیده و کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکتها بهبود یافته، رعایت حقوق سهامداران و کلیه ذینفعان، از جمله دولت ها و عموم جامعه مورد توجه قرار می گیرد (فرناندس، ۲۰۰۷).

موضوع تحقیق حاضر، بررسی رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با نرخ موثر مالیاتی^۲ شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران می باشد. نرخ موثر مالیاتی معیاری است که می توان از آن در راستای تعیین کارایی سیستم مالیات بر درآمد شرکتها استفاده کرد. این معیار مبتنی بر مقایسه نرخ موثر مالیاتی با نرخ قانونی مالیات بر درآمد شرکتها بوده و به طور موثر اختلاف بین سیاستهای مالیاتی شرکتهای مختلف را منعکس می کند به لحاظ نظری، ساختار راهبری شرکت متشکل از مجموعه ساز و کارهایی است که سیاستها و تصمیم گیریهای شرکت را شکل می دهند که عمدتاً براساس ترکیب مالکیت و ویژگی های هیات مدیره مورد نظر قرار می گیرند. آنچه که باید

1. Corporate Governance

2. Effective tax rate

مورد توجه قرار بگیرد، این است که راهبردهای متاثر از این عوامل، چه نقشی در تبیین منافع گروه‌های درگیر در شرکت‌های سهامی دارد.

۲- ادبیات نظری و بیان مساله تحقیق

اگرچه در رویکرد محدود حاکمیت شرکتی، دولت به مثابه یک سهامدار محسوب شده است و شرکت‌ها سهم دولت از سود را پرداخت می‌کنند، لیکن در رویکرد گسترده حاکمیت شرکتی، این سوال مطرح می‌شود که آیا شرکت‌ها حقوق دولت را به صورت منصفانه رعایت می‌کنند؟ آیا اطلاعات منتشر شده توسط شرکت‌ها به اندازه کافی شفاف هست تا بتوان حقوق دولت دایر بر مالیات متعلقه را از روی آنها به درستی ارزیابی و محاسبه نمود؟

وهاب و همکاران (۲۰۰۷) پیشنهاد دادند که هر چقدر اطلاعات ارائه شده از طرف شرکت‌ها شفافتر باشد، به همان اندازه شرکت‌ها در ایفای مسؤولیت پاسخگویی خود نسبت به ذینفعان موفق‌تر خواهند بود و ارائه اطلاعات شفاف نیز به نوبه خود موجب محاسبه دقیق و صحیح سود مشمول مالیات قطعی شرکت خواهد شد. به همین دلیل، در رویکرد گسترده حاکمیت شرکتی نیز، دولت به عنوان یک ذینفع از مزایای اطلاعات شفاف ناشی از سیستم حاکمیت شرکتی برخوردار می‌گردد. در چنین شرایطی، سیستم حاکمیت شرکتی مطلوب از منظر دولت به رویکردی اطلاق می‌شود که حقوق دولت نیز به عنوان یکی از گروه‌های ذینفع رعایت گردیده و سهم وی از سود شرکت به صورت دقیق و روشن مشخص شود (وهاب و همکاران، ۲۰۰۷).

در این راستا، اعمال نظارت موثر و کارا مبتنی بر حاکمیت شرکتی قوی، انگیزه‌ها و فرصت‌های مدیران را برای انحراف اطلاعات محدود می‌کند و ممکن است به حفظ حقوق کلیه گروه‌های درگیر در واحدهای تجاری و از جمله دولت کمک کند. در تحقیق حاضر، رابطه بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی شامل مالکیت دولتی، مالکیت مدیریتی (ترکیبات مالکیتی)؛ اندازه هیات مدیره و استقلال هیات مدیره (ویژگی‌های هیات مدیره) با نرخ موثر مالیاتی مورد توجه قرار گرفته است. نرخ موثر مالیاتی معیاری است که می‌توان از آن در راستای تعیین کارایی سیستم مالیات بر درآمد شرکت‌ها استفاده کرد. این معیار مبتنی بر مقایسه نرخ موثر مالیاتی با نرخ قانونی مالیات بر درآمد شرکت‌ها بوده و به‌طور موثر اختلاف بین سیاست‌های مالیاتی شرکت‌های مختلف را منعکس می‌کند (فرناندس، ۲۰۰۷).

نرخ موثر مالیات نقدی از طریق تقسیم مالیات نقدی پرداختی در صورت جریان وجوه نقد بر سود قبل از مالیات بدست می آید. این معیار تغییرپذیری پیامدهای اجتناب مالیاتی شرکت در طول زمان را اندازه گیری می کند. هر چه ضریب تغییر نرخ موثر مالیات نقدی سالانه پایین تر باشد یکنواختی نرخ مالیات شرکت بیشتر خواهد بود. نرخ موثر مالیاتی تعهدی، نرخ واقعی مالیات را بر مبنای فرض تعهدی اندازه می گیرد. به دلیل معافیت‌های مالیاتی یا معوقات مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی بسیار کمتر از نرخ قانونی است. همچنین تفاوت بین حسابداری مالی و حسابداری مالیاتی موجب اختلاف بین مبالغ سود قبل از مالیات می شود. در این مورد دو نوع تفاوت وجود دارد، تفاوت دائمی بدلیل اختلاف بین روشهای محاسبه و تفاوت موقت به دلایل تفاوت زمان بندی و ارزشیابی.

تفاوتهای سود گزارش شده حسابداری در مقایسه با سود مشمول مالیات تحت دو عنوان اصلی زیر طبقه بندی می شود:

الف. تفاوت دائمی:

این تفاوت ناشی از اجرای مقررات خاص یا امتیازها و محدودیت هایی است که به دلایل اقتصادی، سیاسی یا اداری مورد توجه قرار می گیرد و با شیوه محاسبه سود خالص حسابداری هیچ رابطه ای ندارد. به طور مثال سود اوراق مشارکت دولتی که در محاسبه سود حسابداری لحاظ می شود، مشمول مالیات نمی باشد و در برخی از کشورهای صنعتی استهلاک سرقفلی که از سود حسابداری کسر می شود، هزینه قابل احتساب مالیاتی به شمار نمی آید. تفاوت دائمی فقط بر کل مالیات شرکت اثر می گذارد و مستلزم تخصیص بین دوره ای مالیات نمی شود. با وجود اینکه از دیدگاه نظری، تفاوت‌های دائمی اهمیتی ندارند ولی بدان سبب که آنها منشا اصلی پیدایش تفاوت بین آنچه به اعتقاد مردم باید پرداخت شود و آنچه شرکت به عنوان مالیات پرداخت کرده، اهمیت زیادی دارد.

ب. تفاوت موقتی:

۱. تفاوت ناشی از زمان منظور کردن اقلام بدهکار و بستانکار به حساب سود که همچنین آن را تفاوت میان دوره ای هم می نامند.

۲. تفاوت ناشی از کاربرد مبناهای متفاوت تعیین ارزش اقلام در محاسبه مالیات که آن را تفاوت در تعیین ارزش هم می نامند.

لازم به ذکر است که مبحث تفاوت‌های موقت و تخصیص مالیاتی در حال حاضر در کشور ایران مورد ندارد. در این خصوص سودی که در دوره مالی جاری مشمول مالیات اما در دوره‌های مالی بعد شناسائی و گزارش می‌شود موجب انتقال مالیات به دوره‌های بعد می‌گردد و سودی که برای مقاصد حسابداری در دوره مالی جاری شناسائی اما در دوره‌های مالی بعد مشمول مالیات می‌شود موجب شناسائی مالیات در دوره جاری می‌گردد.

ارتباط بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی با نرخ موثر مالیاتی بر اساس نقش نظارتی حاکمیت شرکتی و تاثیراتی که ممکن است بر محیط اطلاعات شرکت‌ها در راستای حفاظت از منافع گروه‌های درگیر در واحدهای تجاری داشته باشد، قابل تبیین می‌باشد.

۲-۱- مالکیت دولتی^۱ و نرخ موثر مالیاتی

جانسون و میتون (۲۰۰۳) دریافتند که شرکت‌های وابسته به دولت، از طریق ارتباطات و نفوذ سیاسی، به سرعت بحران‌های مالی را پشت سر گذاشته و بطور بالقوه از درماندگی‌های مالی، کمتر آسیب می‌بینند. این محققان نشان دادند که شرکت‌های وابسته به دولت دارای سطح بالاتری از بدهی هستند و دسترسی آسان‌تری به منابع مالی دارند.

گول (۲۰۰۶) همچنین دریافت که شرکت‌هایی که دارای وابستگی سیاسی می‌باشند، بر برخی از مصوبات دولت در راستای منافع خود اعمال نفوذ می‌کنند. در مجموع، به نظر می‌رسد که مالکیت دولتی باعث می‌شود که شرکت‌ها انگیزه کمتری برای بالا بردن کیفیت افشای اطلاعات داشته باشند. زیرا که این گروه از شرکت‌ها نیاز کمتری به منابع مالی موجود در بازارهای سرمایه و اعتباردهندگان احساس می‌کنند و منابع مورد نیاز خود را با پشتیبانی دولت و از طریق بانک‌های دولتی تامین می‌کنند (گول، ۲۰۰۶). بر این اساس، به نظر می‌رسد مالکیت دولتی (وابستگی شرکت‌ها به دولت) از دو طریق بر نرخ موثر مالیاتی آنها تاثیر گذار باشد. الف) ممکن است این قبیل شرکت‌ها بتوانند از طریق ارتباطات سیاسی، موفق به اخذ برخی از بخشودگی‌ها و معافیت‌های مالیاتی، در صنعتی شوند که در آن فعالیت دارند. ب) مالکیت دولتی باعث کاهش کیفیت اطلاعات شده و در نتیجه میزان درآمد مشمول مالیات شرکت تحریف شود.

1. Government Ownership

۲-۲- مالکیت مدیریتی و نرخ موثر مالیاتی

در روابط نمایندگی، هدف مالکان حداکثرسازی ثروت است و لذا به منظور دستیابی به این هدف بر کار نماینده نظارت می کنند و عملکرد او را مورد ارزیابی قرار می دهند. چنانچه نماینده یا مدیر شرکت، خود مالک درصدی از شرکت باشد؛ بسیاری از مسائل نمایندگی حل می شود و به نظر می رسد این گونه شرکتها بلحاظ تلاش مدیریت جهت تامین منافع خود در شرکت، از کارایی و بازده بیشتری برخوردار باشند. کاپوپولوس و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که در شرکت های دارای مالکیت مدیریتی، مدیران انگیزه هایی برای تلاش بیشتر و بالا بردن کارایی شرکت دارند. آنها همچنین دریافتند که در این قبیل شرکتها، بدلیل افق دید بلندمدت سرمایه گذاری، مدیران تمایل کمتری برای توزیع منافع شرکت دارند و سعی می کنند منابع حاصل از عملیات را در جهت رشد شرکت، سرمایه گذاری مجدد کنند (کاپوپولوس و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین، به نظر می رسد که مالکیت مدیریتی به دو دلیل بر نرخ موثر مالیاتی شرکتها تاثیرگذار باشد (الف) تلاش مدیران در جهت افزایش ارزش شرکت (که بخشی از سهام آن متعلق به مدیران است) باعث می شود که درآمد مشمول مالیات شرکت های دارای ساختار مالکیت مدیریتی نسبت به سایر شرکتها بیشتر باشد و در نتیجه مالیات بیشتری پرداخت کنند. (ب) تلاش مدیران در جهت حفظ منافع در شرکت باعث می شود که آنها همواره بدنبال راه هایی در جهت پرداخت مالیات کمتر باشند (ماهنتیران، ۲۰۱۱).

۲-۳- ترکیب هیات مدیره و نرخ موثر مالیاتی

لfort و اورزوا (۲۰۰۷) نشان دادند هیات مدیره ای که تعداد مدیران غیرموظف آن به نسبت بیشتر است، تصویر مثبتی از استقلال و مسؤولیت پاسخگویی برای گروه های مختلف درگیر در شرکت تداعی نموده، حصول اطمینان از رعایت ویژگی های حاکمیت شرکتی را نیز افزایش می دهد. این امر ناشی از نقش نظارتی اعضای غیرموظف هیات مدیره بر مدیران شرکت در راستای حفظ منافع سهامداران است و به طور بالقوه تعارضات نمایندگی بین مدیران و مالکان را کاهش می دهد (لfort و اورزوا، ۲۰۰۷). اعضای غیرموظف هیات مدیره با توجه به نقشی که در راهبری شرکت دارند؛ وظیفه اعمال مطلوب و موثر مکانیسم های حاکمیتی را به عهده می گیرند که به لحاظ نظری دارای پیامدهای مطلوبی برای سهامداران است. شواهد تجربی نشان می دهند که وجود حاکمیت شرکتی قوی ممکن است بر سیاست های مالیاتی دولت تاثیرگذار باشد. برای مثال، دسای و همکاران (۲۰۰۷) پیشنهاد دادند که در کشورهای دارای حاکمیت شرکتی قوی، یک افزایش در نرخ مالیات بر درآمد

شرکت‌ها، درآمد مالیاتی دولت را افزایش می‌دهد. این در حالی است که در کشورهای با حاکمیت شرکتی ضعیف، چنین افزایشی، منجر به بالا رفتن درآمد مالیاتی دولت نمی‌شود و در این شرایط، کاهش نرخ مالیات به عنوان یک سیاست مناسب در جهت حفاظت از حقوق سهامداران مورد توجه دولت قرار می‌گیرد (ماهننیران، ۲۰۱۱). بنابراین، استقلال هیات مدیره به دو دلیل ممکن است بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها تاثیر گذار باشد: الف) بدلیل نقش نظارتی اعضای غیرموظف هیات مدیره و تاثیر آنان بر رفتارهای فرصت طلبانه مدیران؛ و ب) بدلیل نقش اعضای غیرموظف هیات مدیره شرکت‌ها در بهبود حاکمیت شرکتی و تبیین سیاستهای مالیاتی دولت. با توجه به مباحث فوق مساله اصلی تحقیق حاضر، تبیین ارتباط بین مکانیسم های حاکمیت شرکتی با نرخ مؤثر مالیاتی می باشد و مساله اصلی تحقیق به صورت ذیل بیان شده است.

مکانیسم های حاکمیت شرکتی با نرخ مؤثر مالیاتی شرکتها چه ارتباطی دارند؟

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱- تحقیقات داخلی

توتاخانه (۱۳۸۷) نشان داد که بین عملکرد شرکت‌ها با درصد مدیران غیرموظف هیات مدیره، نقش ترکیبی مدیریت و حاکمیت شرکتی قویتر یا ضعیف تر رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته ها، به طور بالقوه حاکی از نقش کم رنگ مکانیسم های حاکمیت شرکتی در موفقیت یا شکست واحدهای تجاری می باشد و نشان می دهد که راهبردهای حاکمیتی تاثیر کارآمدی در کنترل تصمیمات مدیران نداشته است.

موسوی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی رابطه مالیات و ساختار بازار در قالب برآورد ارتباط سه متغیر قدرت انحصاری صنعت (درجه تمرکز بازار)، نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها و هزینه های راه اندازی با استفاده از دیدگاههای شومپیتر طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴ پرداختند. یافته ها با دیدگاه شومپیتر سازگاری دارد و مؤید آن است که با افزایش نرخهای مالیات، قدرت انحصاری بازار افزایش می یابد. از طرف دیگر، با افزایش موجودی سرمایه، ورود بنگاهها به صنعت سخت تر می شود و در نتیجه، قدرت انحصاری صنایع و درجه تمرکز بازار بیشتر می شود.

حسینی و شفیعی (۱۳۸۹) در تحقیقی استدلال نمودند که نرخ مؤثر مالیاتی به عنوان یکی از مهم ترین شاخصهای کارایی مالیاتی همواره یکی از مسائل مهم قابل پژوهش در این حوزه از اقتصاد بوده است. همچنین کارایی نظام مالیاتی نیز معمولاً به وسیله مقایسه دو جانبه هزینه وصول مالیات

با سرمایه گذاری جانشین توسط نرخ مؤثر مالیاتی ارزیابی می شود که با بررسی و محاسبه علمی آن امکان افزایش عدالت مالیاتی و بررسی دقیق فشار مالیاتی بر مؤدیان فراهم می شود. نرخ مؤثر مالیاتی علاوه بر کاربردهای گسترده آن در تصمیمات اقتصادی و سیاستگذاری ها می تواند به عنوان ابزاری جهت هدایت سرمایه نیز استفاده شود. در این مقاله تلاش شده است تا با تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه های مشاغل و اشخاص حقوقی، میزان فشار مالیاتی بر مؤدیان این بخش مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که نرخ مؤثر اشخاص حقوقی طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ صعودی بوده و از ۶/۰۸۳ در سال ۱۳۸۰ به ۱۱/۵۹ در سال ۱۳۸۷ رسیده است. این در حالی است که این روند در بخش مشاغل روند نزولی داشته و از ۲/۱ تا ۱/۳ در نوسان بوده است.

۳-۲- تحقیقات خارجی

دسای، دایک و زینگالس (۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نرخ های مالیاتی بالا، باعث بدتر شدن سیستم های حاکمیت شرکتی می شود و برعکس، نرخهای پایین مالیاتی باعث بهبود سیستم های حاکمیت شرکتی شده، افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت.

سارتوری (۲۰۰۸) نشان داد که واکنش های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت، از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت ها دارد و از سوی دیگر، طرح های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد.

لfort^۱ (۲۰۱۰)، به این نتیجه رسید که یک افزایش در نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره، باعث افزایش ارزش شرکت می شود. زمانی که نسبت اعضای غیرموظف و اعضای حرفه ای به طور جداگانه تجزیه و تحلیل می گردند، تنها نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره است که ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار می دهد.

ماهنتیران (۲۰۱۱) در تحقیقی تأثیر ساختار مالکیت، ساختار حاکمیت و فرهنگ را بر رویه های مالیاتی شرکتها در مالزی بررسی نمود. این محقق بطور ضمنی استدلال نمود که حاکمیت شرکتی قوی، ابزاری برای کاهش تعارضات بین گروه های درگیر در شرکتها (از جمله دولت) از طریق بهبود کیفیت اطلاعات و نظارت موثر در جهت حفظ حقوق همه گروه ها می باشد و علاوه بر ترکیب

1 -Lefort F., Urzua F

مالکیتی و مدیریتی شرکتها، بر جنبه های پاسخگویی آنها نیز تمرکز نمود. نتایج نشان داد که سه متغیر پاداش مدیریت، جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، بر نرخ موثر مالیاتی تاثیرگذار است و این متغیرها بطور بالقوه ارزش بازار شرکت را افزایش داده اند.

۴- فرضیات تحقیق

- فرضیه اول: درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد.
- فرضیه دوم: درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد.
- فرضیه سوم: درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد.
- فرضیه چهارم: درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد.
- فرضیه پنجم: ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد.
- فرضیه ششم: ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد.

۵- جامعه آماری و نمونه تحقیق

در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیات تحقیق از داده های مالی طبقه بندی شده و حسابرسی شده شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. جهت انتخاب نمونه آماری مناسب، در این تحقیق از روش نمونه گیری حذفی سیستماتیک (غربالگر) استفاده شده است. جدول ۱ نحوه انتخاب و استخراج نمونه آماری مناسب تحقیق را با توجه به روشهای نمونه گیری، ملاحظات و شرایط مطرح شده و داده ها و اطلاعات موجود در بورس نشان می دهد.

جدول (۱) - نحوه انتخاب و استخراج نمونه

تعداد شرکتهایی که در سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ در بورس حضور داشته اند.	۲۴۴ شرکت
تعداد شرکتهایی که در سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ در بورس حضور داشته اند و جزء شرکتهای سرمایه گذاری و بانکها نبوده اند.	۲۰۱ شرکت
تعداد شرکتهایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند می باشد.	۱۵۴ شرکت
تعداد شرکتهایی که در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداده اند	۱۴۷ شرکت
تعداد شرکتهایی که توقف نماد معاملاتی بیش از ۶ ماه در هر سال نداشته اند.	۱۱۱ شرکت
تعداد شرکتهایی که اطلاعات مالی آنها برای دوره تحقیق در دسترس باشد.	۱۰۷ شرکت
تعداد شرکتهایی که داده های آنها جمع آوری شده است (نمونه نهایی)	۱۰۷ شرکت

دوره تحقیق ۹ سال متوالی از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ می باشد. بنابراین حجم نهایی نمونه ۹۶۳ سال-شرکت (۹*۱۰۷) است.

۶- متغیرهای تحقیق و شیوه اندازه گیری آنها

۶-۱- متغیر(های) وابسته

متغیر وابسته در مدل آزمون فرضیات تحقیق، نرخ موثر مالیاتی می باشد که این متغیر از دو منظر تعهدی و نقدی مورد نظر قرار می گیرد. روش محاسبه این متغیرها مطابق با ماهنتیران (۲۰۱۱) به صورت ذیل است:

(۱) نرخ موثر مالیاتی تعهدی

$$ETR_{1it} = TP_{it}/EBIT_{it}$$

(۲) نرخ موثر مالیاتی نقدی

$$ETR_{2it} = TP_{it}/CFO_{it}$$

TP: مالیات بر درآمد

EBIT: سود قبل از کسر مالیات

CFO: جریان نقد عملیاتی

۶-۲- متغیر(های) مستقل

متغیرهای مستقل تحقیق حاضر، نظام راهبری شرکت‌های نمونه آماری می باشد. در تحقیق حاضر نظام راهبری از دو جنبه ساختار مالکیتی و ویژگی های هیات مدیره مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، متغیرهای درصد مالکیت دولتی، درصد مالکیت مدیریتی و ترکیب هیات مدیره به عنوان متغیرهای مستقل تلقی شده اند که به صورت ذیل محاسبه می شوند.

(۱) درصد مالکیت دولتی

$$\text{درصد مالکیت دولتی} = \frac{\text{تعداد سهام متعلق به نهادهای دولتی}}{\text{تعداد کل سهام منتشر شده شرکت}}$$

(۲) درصد مالکیت مدیریتی

$$\text{درصد مالکیت مدیریتی} = \frac{\text{تعداد سهام متعلق به مدیران شرکت}}{\text{تعداد کل سهام منتشر شده شرکت}}$$

(۳) ترکیب هیات مدیره

$$BCOMP_{it} = indepCEO/CEO$$

IndepCEO: تعداد اعضای هیات مدیره غیرموظف که در ترکیب هیات مدیره بوده و فاقد مسئولیت اجرایی می‌باشند.

CEO: تعداد کل اعضای هیات مدیره

این متغیرها با در نظر گرفتن مقاله اصلی مبنای تحقیق انتخاب شده که محقق بدنبال بررسی آثار آنها در ایران است. مضافاً اینکه نتایج تحقیق آثار آنها را در ایران مورد ارزیابی قرار می‌دهد. همچنین در انتخاب متغیرها سعی شده تا متغیرهایی مورد استفاده قرار گیرد که تاکنون در ایران مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

سوابق کاری در ادارات امور مالیاتی همواره نشان داده است که مالیات واحدهای تجاری دولتی و غیردولتی تفاوت داشته و انتخاب متغیرها در راستای علت آزمایی این تفاوتها نیز بوده و محقق سعی بر آن داشته است که علت یا آثار این موضوع را در تحقیق مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین نتایج این تحقیق می‌تواند به عنوان راهنمایی برای گروههای مالیاتی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۶- شیوه آزمون فرضیات

الگوی آزمون فرضیات از تحقیق ماهنتیران (۲۰۱۱) اقتباس شده است. در این الگوی رگرسیونی نرخ موثر مالیاتی (تعهدی و نقدی) به‌عنوان متغیر وابسته و تابعی از ساختار حاکمیت شرکتی و متغیرهای کنترلی تلقی شده است. بدین ترتیب روش آزمون فرضیات به‌صورت ذیل می‌باشند:

مدل آزمون فرضیه اول

$$ETR_{1i,t} = \beta_0 + \beta_1 GovOwn_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Cap_Int_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$H0: \beta_1 = 0$$

$$H1: \beta_1 \neq 0$$

مدل آزمون فرضیه دوم

$$ETR_{2i,t} = \beta_0 + \beta_1 GovOwn_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Cap_Int_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$H0: \beta_1 = 0$$

$$H1: \beta_1 \neq 0$$

مدل آزمون فرضیه سوم

$$ETR_{1i,t} = \beta_0 + \beta_1 ManOwn_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Cap_Int_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$H0: \beta_1 = 0$$

$$H1: \beta_1 \neq 0$$

مدل آزمون فرضیه چهارم

$$ETR_{2i,t} = \beta_0 + \beta_1 ManOwn_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Cap_Int_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$H0: \beta_1 = 0$$

$$H1: \beta_1 \neq 0$$

مدل آزمون فرضیه پنجم

$$ETR_{1i,t} = \beta_0 + \beta_1 BCOMP_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Cap_Int_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$H0: \beta_1 = 0$$

$$H1: \beta_1 \neq 0$$

مدل آزمون فرضیه ششم

$$ETR_{2i,t} = \beta_0 + \beta_1 BCOMP_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Cap_Int_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$H0: \beta_1 = 0$$

$$H1: \beta_1 \neq 0$$

در مدل‌های رگرسیونی فوق، ضرایب β_1 منعکس کننده ارتباط بین ساختار حاکمیت شرکتی (شامل مالکیت دولتی، مالکیت مدیریتی و ترکیب هیات مدیره) با نرخ موثر مالیاتی می باشند و در جهت تصمیم گیری در خصوص فرضیات تحقیق کاربرد دارند. جهت تصمیم گیری در خصوص فرضیات، پس از برازش مدل های رگرسیونی، معنادار بودن ضریب β_1 در هر یک از مدل های فوق مورد نظر قرار می گیرد. همچنین، علامت ضریب نشان دهنده نوع ارتباط (مستقیم یا معکوس) می باشد. به این ترتیب، چنانچه ضریب β_1 در مدل رگرسیونی، معنادار باشد، فرضیه پذیرفته می شود.

$$H0: \beta_1 = 0$$

$$H1: \beta_1 \neq 0$$

همچنین ضرایب β_2 تا β_5 منعکس کننده ارتباط بین متغیرهای کنترلی با نرخ موثر مالیاتی می باشند که از طریق آنها می توان تغییرات متغیر وابسته را به طور بهتری تبیین نمود.

۴-۶- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

در فرضیه اول تحقیق پیش بینی شده است که درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد. جهت آزمون این فرضیه از یک مدل رگرسیونی که در آن نرخ موثر تعهدی مالیاتی تابعی از درصد مالکیت دولتی و متغیرهای کنترلی است، استفاده شده است. جهت برآزش مدل رگرسیونی مذکور، ابتدا از طریق آزمون های آماری، مدل رگرسیونی مناسب تشخیص داده می شود. بدین منظور از آزمونهای چاو و هاسمن استفاده می شود. آزمون چاو کمک می کند تا بین روش ترکیبی^۱ و روش پانل^۲ بهترین روش تخمین را انتخاب نمود و آزمون هاسمن، روش تخمین اثرات ثابت و اثرات تصادفی را با یکدیگر مقایسه می کند. بدین ترتیب، ابتدا مدل رگرسیونی مبتنی بر روش ترکیبی، برآزش داده شد و سپس آزمون چاو بر روی رگرسیون برآزش شده اجرا گردید. فرضیه های آماری مربوط به این آزمون به صورت ذیل می باشد:

H0: روش رگرسیون، ترکیبی است.

H1: روش رگرسیون، پانل است.

نتایج آزمون چاو برای مدل فرضیه اول در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول (۲) - نتایج آزمون چاو برای مدل رگرسیونی آزمون فرضیه اول

سطح معناداری	آماره F
۰/۹۴۲	۰/۳۲۶۴

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بالاتر از سطح خطا (۰/۰۵) می باشد؛ فرضیه H0 فوق، پذیرفته می شود. بر این اساس، استفاده از روش ترکیبی جهت برآزش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه اول توصیه می شود.

نتایج حاصل از برآزش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه اول، در جدول ۳ آمده است.

1. Pooled

2. panel

جدول (۳) - نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای آزمون فرضیه اول

سطح معنی داری F	آماره F	آماره دوربین واتسون	تعدیل شده R ²
۰/۰۰۰	۹۴/۸۷	۲/۱۰۱	۰/۳۷۷
سطح معنی داری (P-value)	آماره t	اندازه ضریب β (استاندارد شده)	متغیر
۰/۲۱۹	۱/۲۲	-۰/۰۲۷	درصد مالکیت دولتی
۰/۰۰۰	-۴/۱۷۱	-۰/۰۱	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۳/۵۹	۰/۰۷۵	اهرم مالی شرکت
۰/۰۰۱	۳/۱۱۳	۰/۰۸۴	بازده داراییها
۰/۹۵۳	-۰/۰۵۷	-۰/۰۰۱	شدت سرمایه گذاری

نتایج تحلیل آماری در خصوص اعتبار الگوی رگرسیونی در بخش اول جدول فوق آمده است. ضریب تعیین مدل رگرسیونی ۰/۳۷۷ می باشد و حاکی از این است که این مدل توانسته است ۳۷/۷ درصد از تغییرات نرخ موثر تعهدی مالیاتی شرکتهای نمونه آماری را از طریق متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین نماید. همچنین نتایج نشان می دهد که آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ بوده و بنابراین بین خطاهای الگوی رگرسیونی خود همبستگی شدیدی وجود ندارد و عدم وجود خود همبستگی بین خطاها، به عنوان یکی از فرضهای اساسی رگرسیون در خصوص مدل برازش شده، پذیرفته می شود.

نتایج تحلیل واریانس رگرسیون (ANOVA)، که بر اساس آماره F در خصوص آن تصمیم گیری می شود؛ برای الگوی برازش داده شده در آزمون فرضیه فرعی اول در دو ستون آخر جدول ۲ آمده است. فرضیه های آماری مربوط به تحلیل آماره F به صورت ذیل می باشد.

H0: $\beta_i=0$ الگوی رگرسیونی معنی دار نیست

H1: $\beta_i \neq 0$ الگوی رگرسیونی معنی دار است

سطح معنی داری آماره F برای مدل کمتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) است و در

نتیجه فرض H0 فوق رد می شود و رگرسیون برآورد شده به لحاظ آماری معنی دار و روابط بین متغیرهای تحقیق، خطی می باشد^۱.

۱- تمامی آزمون های آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد انجام شده است.

ضریب برآورد شده برای متغیر GovOwn که ارتباط بین درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی را نشان می دهد، به میزان ۰/۰۲۷ و با سطح معناداری ۰/۲۱۹ می باشد که بالاتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته نشان می دهد برخلاف ادعای مطرح شده در فرضیه اول، بین متغیرهای مذکور، ارتباط معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد.

در مجموع، نتایج نشان داد که بین درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط معناداری به لحاظ آماری وجود نداشته است. این یافته با ادعای مطرح شده در فرضیه اول ناسازگار است و این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

۶-۵- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد. نتایج آزمون چاو برای مدل فرضیه دوم در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴) - نتایج آزمون چاو برای مدل رگرسیونی آزمون فرضیه دوم

سطح معناداری	آماره F
۰/۶۱۴	۰/۷۶۸

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بالاتر از سطح خطا (۰/۰۵) می باشد؛ فرضیه H_0 فوق، پذیرفته می شود. بر این اساس، استفاده از روش ترکیبی جهت برآزش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه دوم، توصیه می شود.

نتایج حاصل از برآزش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه دوم، در جدول ۵ آمده است.

جدول (۵) - نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای آزمون فرضیه دوم

تعدیل شده R^2	آماره دوربین واتسون	آماره F	سطح معنی داری F
۰/۲۶۸	۲/۱۱۸	۳۲/۳۱۷	۰/۰۰۰
متغیر	اندازه ضریب β (استاندارد شده)	آماره t	سطح معنی داری (P-value)
درصد مالکیت دولتی	۰/۹۸۵	۲/۱۱۱	۰/۰۳۵
اندازه شرکت	-۰/۰۷۱۹	-۱/۶۱	۰/۱۰۷
اهرم مالی شرکت	۱/۲۱۴	۲/۹۶۲	۰/۰۰۳
بازده داراییها	-۱/۳۸	-۲/۴۷۶	۰/۰۱۳
شدت سرمایه گذاری	-۱/۲۳۳	-۳/۲۵۴	۰/۰۰۱

ضریب برآورد شده برای متغیر GovOwn که ارتباط بین درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی را نشان می دهد، به میزان $0/985$ و با سطح معناداری $0/035$ می باشد که کمتر از $0/05$ (سطح خطای آزمون) است. این یافته نشان می دهد که بین متغیرهای مذکور، ارتباط مستقیم و معناداری برقرار می باشد. به عبارت دیگر، با افزایش (کاهش) درصد مالکیت دولتی، بخش بیشتری (کمتری) از جریان نقدی شرکت در قالب مالیات به دولت پرداخت شده است. در مجموع، نتایج نشان داد که بین درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط مستقیم و معناداری بلحاظ آماری وجود دارد. این یافته با ادعای مطرح شده در فرضیه دوم سازگار است و این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود.

۶-۶- نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم تحقیق پیش بینی شده است که درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد. جهت تشخیص مدل مناسب برای برازش، ابتدا مدل رگرسیونی مبتنی بر روش ترکیبی، برازش داده شد و سپس آزمون چاو بر روی رگرسیون برازش شده اجرا گردید. فرضیه های آماری مربوط به این آزمون به صورت ذیل می باشد:

H0: روش رگرسیون، ترکیبی است.

H1: روش رگرسیون، پانل است.

نتایج آزمون چاو برای مدل فرضیه سوم در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول (۶) - نتایج آزمون چاو برای مدل رگرسیونی آزمون فرضیه سوم

سطح معناداری	آماره F
۰/۲۱	۱/۳۷۹

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بالاتر از سطح خطا ($0/05$) می باشد؛ فرضیه H0 فوق، پذیرفته می شود. بر این اساس، استفاده از روش ترکیبی جهت برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه سوم، توصیه می شود.

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه سوم، در جدول ۷ آمده است.

جدول (۷) - نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای آزمون فرضیه سوم

سطح معنی داری F	آماره F	آماره دوربین واتسون	تعدیل شده R ²
۰/۰۰۰	۹۴/۹۲	۲/۱۰۶	۰/۳۸
سطح معنی داری	آماره t	اندازه ضریب β (استاندارد شده)	متغیر
(P-value)			
۰/۰۳۱	۲/۷۷۴	۰/۰۰۹	درصد مالکیت مدیریتی
۰/۰۰۰	-۴/۱۰۴	-۰/۰۱	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۳/۶۲۳	۰/۰۷۵	اهرم مالی شرکت
۰/۰۰۱	۳/۳۱۳	۰/۰۸۹	بازده داراییها
۰/۹۹۱	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	شدت سرمایه گذاری

ضریب برآورد شده برای متغیر ManOwn که ارتباط بین درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی را نشان می دهد، به میزان ۰/۰۰۹ و با سطح معناداری ۰/۰۳۱ می باشد که کمتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته نشان می دهد که بین متغیرهای مذکور، ارتباط مستقیم و معناداری برقرار می باشد. به عبارت دیگر، با افزایش (کاهش) درصد مالکیت مدیریتی، بخش بیشتری (کمتری) از سود شرکت در قالب مالیات به دولت پرداخت شده است. در مجموع، نتایج نشان داد که بین درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط مستقیم و معناداری به لحاظ آماری وجود دارد. این یافته با ادعای مطرح شده در فرضیه سوم سازگار است و این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود.

۶-۷- نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم

درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد.

نتایج آزمون چاو برای مدل فرضیه چهارم در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول (۸) - نتایج آزمون چاو برای مدل رگرسیونی آزمون فرضیه چهارم

سطح معناداری	آماره F
۰/۳۴	۱/۱۳۱

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بالاتر از سطح خطا (۰/۰۵) می باشد؛ فرضیه H0 فوق، پذیرفته می شود. بر این اساس، استفاده از روش ترکیبی جهت برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه چهارم، توصیه می شود.

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه چهارم، در جدول ۹ آمده است.

جدول (۹) - نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای آزمون فرضیه چهارم

تعدیل شده R ²	آماره دوربین واتسون	آماره F	سطح معنی داری F
۰/۲۳۴	۲/۱۰۹	۳۲/۵۴۲	۰/۰۰۰
متغیر	اندازه ضریب β (استاندارد شده)	آماره t	سطح معنی داری
			P-value
درصد مالکیت مدیریتی	۰/۵۰۴	۲/۰۹۹	۰/۰۳۶
اندازه شرکت	-۰/۰۸	-۱/۷۸۳	۰/۰۷۴
اهرم مالی شرکت	۱/۱۵۱	۲/۸۳۹	۰/۰۰۴
بازده داراییها	-۱/۴۷	-۲/۶۴۸	۰/۰۰۸
شدت سرمایه گذاری	-۱/۳۰۹	-۳/۴۶۸	۰/۰۰۰

ضریب برآورد شده برای متغیر ManOwn که ارتباط بین درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی را نشان می دهد، به میزان ۰/۵۰۴ و با سطح معناداری ۰/۰۳۶ می باشد که کمتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته نشان می دهد که بین متغیرهای مذکور، ارتباط مستقیم و معناداری برقرار می باشد. به عبارت دیگر، با افزایش(کاهش) درصد مالکیت مدیریتی، بخش بیشتری(کمتری) از جریان نقدی شرکت در قالب مالیات به دولت پرداخت شده است. در مجموع، نتایج نشان داد که بین درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط مستقیم و معناداری بلحاظ آماری وجود دارد. این یافته با ادعای مطرح شده در فرضیه چهارم سازگار است و این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود.

۶-۸- نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم

ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد. نتایج آزمون چاو برای مدل فرضیه پنجم در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول (۱۰) - نتایج آزمون چاو برای مدل رگرسیونی آزمون فرضیه پنجم

سطح معناداری	آماره F
۰/۹۳۵	۰/۳۴

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بالاتر از سطح خطا (۰/۰۵) می باشد؛ فرضیه H0 فوق، پذیرفته می شود. بر این اساس، استفاده از روش ترکیبی جهت برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه پنجم، توصیه می شود.

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه پنجم، در جدول ۱۱ آمده است.

جدول (۱۱) - نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای آزمون فرضیه پنجم

سطح معنی داری F	آماره F	آماره دوربین واتسون	تعدیل شده R ²
۰/۰۰۰	۹۴/۷۷	۲/۱۰۸	۰/۳۷۹
سطح معنی داری	آماره t	اندازه ضریب β (استاندارد شده)	متغیر
P-value			
۰/۸۵۱	۰/۱۸۷	۰/۰۰۲	ترکیب هیات مدیره
۰/۰۰۰	-۴/۰۲۶	-۰/۰۱	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۳/۶۹۶	۰/۰۷۷	اهرم مالی شرکت
۰/۰۰۰	۳/۴۱۵	۰/۰۹۱	بازده داراییها
۰/۹۳۳	۰/۰۸۴	۰/۰۰۱	شدت سرمایه گذاری

ضریب برآورد شده برای متغیر BCOMP که ارتباط بین ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر تعهدی مالیاتی را نشان می دهد، به میزان ۰/۰۰۲ و با سطح معناداری ۰/۸۵۱ می باشد که بالاتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته نشان می دهد که برخلاف ادعای مطرح شده در فرضیه پنجم، بین متغیرهای مذکور، به لحاظ آماری ارتباط معناداری وجود ندارد. در مجموع، نتایج نشان داد که بین ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط معناداری بلحاظ آماری وجود ندارد. این یافته با ادعای مطرح شده در فرضیه پنجم ناسازگار است و این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

۶-۹- نتایج حاصل از آزمون فرضیه ششم

ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد.

نتایج آزمون چاو برای مدل فرضیه پنجم در جدول ۱۲ ارائه شده است.

جدول (۱۲)- نتایج آزمون چاو برای مدل رگرسیونی آزمون فرضیه ششم

سطح معناداری	آماره F
۰/۵۳	۰/۸۶۹

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بالاتر از سطح خطا (۰/۰۵) می باشد؛ فرضیه H_0 فوق، پذیرفته می شود. بر این اساس، استفاده از روش ترکیبی جهت برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه ششم، توصیه می شود.

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیه ششم، در جدول ۱۳ آمده است.

جدول (۱۳)- نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای آزمون فرضیه ششم

سطح معنی داری F	آماره F	آماره دوربین واتسون	تعدیل شده R^2
۰/۰۰۰	۳۹/۷۹۳	۲/۱۰۹	۰/۲۶۵
سطح معنی داری	آماره t	اندازه ضریب β (استاندارد شده)	متغیر
P-value			
۰/۴۱۲	-۰/۸۲	-۰/۲۴۵	ترکیب هیات مدیره
۰/۱۹۳	-۱/۳	-۰/۰۵۶	اندازه شرکت
۰/۰۰۲	۳/۰۶۴	۱/۲۴۶	اهرم مالی شرکت
۰/۰۱۸	-۲/۳۶۲	-۱/۳۰۱	بازده داراییها
۰/۰۰۱	-۳/۲۰۷	-۱/۲۰۳	شدت سرمایه گذاری

ضریب برآورد شده برای متغیر BCOMP که ارتباط بین ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر نقدی مالیاتی را نشان می دهد، به میزان -۰/۲۴۵ و با سطح معناداری ۰/۴۱۲ می باشد که بالاتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته نشان می دهد که بر خلاف ادعای مطرح شده در فرضیه ششم، بین متغیرهای مذکور، به لحاظ آماری ارتباط معناداری وجود ندارد. در مجموع، نتایج نشان داد که بین ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد. این یافته با ادعای مطرح شده در فرضیه ششم ناسازگار است و این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

۷- خلاصه و تفسیر نتایج

تفسیر نتایج فرضیه اول: فرضیه اول: درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد. کارکرد ساختار حاکمیت شرکتی از این لحاظ اهمیت دارد که به طور بالقوه موجب حفظ منافع گروه‌های مختلف در شرکت‌ها می‌شود. بنابر فرضیه اول، درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد. در چنین شرایطی، عدم وجود ارتباط معنادار بین درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی در شرکت‌های نمونه آماری را می‌توان ناشی از این دانست که احتمالاً سهامداران دولتی، نظارت موثر و کارا بر ساختار گزارشگری مالی شرکت‌ها نداشته‌اند. همچنین، احتمال می‌رود که بر خلاف مبانی نظری موجود، وابستگی شرکت‌ها به دولت، نقشی در سیاست‌های مالیاتی آنها نداشته است و این امر نیز ممکن است ناشی از رویه‌های یکسان و متداول وصول مالیات از شرکت‌ها بوده باشد.

تفسیر نتایج فرضیه دوم: درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد. در خصوص، یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم، مبنی بر اینکه درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط مستقیم دارد؛ بنظر می‌رسد که دسترسی آسان به منابع تامین مالی در شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی بالاتر باعث شده است که جریان نقدی عملیاتی این شرکت‌ها، در سطوح پایین تری نسبت به سایر شرکت‌ها باشد و در نتیجه، نرخ موثر مالیاتی بالاتری داشته باشند.

تفسیر نتایج فرضیه سوم: درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد. در تفسیر یافته‌های فرضیه سوم تحقیق می‌توان اینگونه تعبیر نمود که احتمالاً شرکت‌های با درصد مالکیت مدیریتی بالا، بدلیل ماهیت فعالیتهای اقتصادی که انجام می‌دهند؛ کمتر مشمول معافیت‌های مالیاتی می‌شوند.

تفسیر نتایج فرضیه چهارم: درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد. همچنین، مطابق با یافته‌ها، احتمالاً شرکت‌های با مالکیت مدیریتی بالا، عملکرد بهتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. در این رابطه، کاپوپولوس و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که در شرکت‌های دارای مالکیت مدیریتی، مدیران انگیزه‌هایی برای تلاش بیشتر و بالا بردن کارایی شرکت دارند. تفسیر نتایج فرضیه پنجم و ششم: ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر تعهدی و نقدی مالیاتی ارتباط دارد.

با توجه به یافته های فرضیه پنجم، احتمال می رود که اعضای غیرموظف هیات مدیره، ساختار گزارشگری مالی و سیاستهای مالیاتی شرکتها را رصد کرده و در آن دخالتی نداشته اند. این یافته با نتایج توتاخانه (۱۳۸۷) سازگار است، نتایج تحقیق حاکی از نقش کم رنگ مکانیسم های حاکمیت شرکتی در موفقیت یا شکست واحدهای تجاری می باشد و نشان می دهد که راهبردهای حاکمیتی تاثیر کارآمدی در کنترل تصمیمات مدیران نداشته است.

جدول (۱۴) - خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای آزمون فرضیه ها

سطح معناداری آزمون	آماره آزمون	متغیر مستقل اساسی	خلاصه فرضیه
۰/۲۱۹	۰/۰۲۷	مالکیت دولتی	درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد.
۰/۰۳۵	۰/۹۸۵	مالکیت دولتی	درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد.
۰/۰۳۱	۰/۰۰۹	مالکیت مدیریتی	درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد.
۰/۰۳۶	۰/۵۰۴	مالکیت مدیریتی	درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد.
۰/۸۵۱	۰/۰۰۲	ترکیب هیات مدیره	ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر تعهدی مالیاتی ارتباط دارد.
۰/۴۱۲	-۰/۲۴۵	ترکیب هیات مدیره	ترکیب هیات مدیره با نرخ موثر نقدی مالیاتی ارتباط دارد.

۸- پیشنهادهای کاربردی برآمده از نتایج تحقیق

(۱) باتوجه به یافته های تحقیق در خصوص ارتباط بین درصد مالکیت دولتی با نرخ موثر تعهدی و نقدی مالیاتی، پیشنهاد می گردد تا دولت با در نظر گرفتن موارد تنبیهی یا تشویقی، بی تفاوتی حاکم بر شرکت های با مدیریت دولتی در خصوص آثار مالیاتی را کنترل نمایند. ضمناً دولت می تواند با ارزیابی دقیق تر آثار مالی و مالیاتی شرکت های با مدیریت دولتی، مدیران را نسبت به جایگاه و وظیفه پاسخگویی در قبال منابع در اختیار آگاه سازند. همچنین به مالکان شرکت های سهامی توصیه می شود سعی نمایند که ابزارهای نظارتی موثرتری را برای کنترل انگیزه های منفعت طلبانه مدیران، استفاده نمایند.

۲) با توجه به یافته‌های تحقیق به سهامداران پیشنهاد می‌شود که با توجه به نقش نظارتی که اعضای غیرموظف می‌توانند داشته باشند در انتخاب اعضای غیرموظف و داشتن تخصص کافی توسط این اعضا توجه بیشتری داشته باشند تا این اعضا به جای ادای وظیفه نظارتی، بی‌تاثیر در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد واحد تجاری نباشند. لذا تعیین معیارهای مناسب جهت انتخاب اعضای غیرموظف در جهت بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی و عملیاتی ضرورت دارد.

۳) بر اساس یافته‌های تحقیق مبنی بر ارتباط درصد مالکیت مدیریتی با نرخ موثر مالیاتی، سازمان بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند میزان درصد مالکیت مدیریتی را در بررسی شرایط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به منظور بررسی شفافیت اطلاعات و صحت گزارشگری مالی کنترل نماید.

۴) درصد مالکیت مدیریتی دارای ارتباط معناداری با نرخ موثر مالیاتی است. لذا سازمان امور مالیاتی می‌تواند در جهت استقرار نظام طرح جامع مالیاتی و مبحث نمونه‌گیری این موضوع را مدنظر قرار داده و در انتخاب نمونه جهت حسابرسی مالیاتی درصد مالکیت مدیریتی را مورد بررسی و کنترل قرار دهد.

۸-۱- پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی

- ۱) بررسی ارتباط ساختار حاکمیت شرکتی در کشور با میزان وصول مالیات‌های مستقیم
- ۲) بررسی ارتباط ساختار حاکمیت شرکتی در کشور با وصول به موقع مالیات‌های مستقیم
- ۳) بررسی ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی با نرخ موثر مالیاتی شرکت‌ها
- ۴) بررسی ارتباط بین ساختار حاکمیت شرکتی با مالیات قطعی شده
- ۵) بررسی ارتباط بین درصد مالکیت مدیریتی و میزان بدهی‌های مالیاتی واحدهای تجاری
- ۶) بررسی ارتباط بین درصد مالکیت دولتی و میزان بدهی‌های مالیاتی واحدهای تجاری

۹- محدودیت های تحقیق

این تحقیق نیز مانند سایر تحقیقات با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. این محدودیت‌ها را می‌توان به دو بخش تفکیک نمود. محدودیت‌های تحقیق، در حوزه اجرایی شامل موارد ذیل بوده اند:

(۱) محدودیت در دسترسی به اطلاعات مالیاتی واحدهای تجاری با توجه به محدودیت‌های اعمال شده از سوی سازمان امور مالیاتی کشور

(۲) جامعه آماری تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. ساختار متغیر مالکیت دولتی و مدیریتی، جامعه آماری و محدودیت در دسترسی به اطلاعات ترکیب اعضا هیات مدیره و وابستگی آن به ساختار دولتی یا غیردولتی از دیگر محدودیت‌های تحقیق حاضر بوده است.

(۳) همچنین عدم شفافیت کافی در خصوص درصد تملک سهام واحدهای تجاری توسط دولت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نیز از جمله دیگر محدودیت‌های تحقیق حاضر است. زیرا با توجه به پیچیدگی‌های خاص، مالکیت سهام واحدهای تجاری توسط دولت و عدم شفافیت لازم از این بابت، درصد مالکیت مستقیم و غیرمستقیم سهام توسط دولت می بایست به طور جداگانه محاسبه می گردید.

نرخ موثر مالیاتی می تواند به عنوان ابزاری برای هدایت سرمایه استفاده شود و می توان با کاهش یا افزایش آن رفتار سرمایه گذار را در جهت سیاست‌های کلان دولت هدایت نمود. نرخ موثر مالیاتی عبارتست از نرخى واحد که بر اساس آن از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ می شود. به عبارت دیگر این نرخ از تقسیم مالیات بخش مورد نظر بر پایه درآمد آن بخش حاصل می گردد. نرخ موثر مالیاتی را می توان برای هر یک از بخش ها نظیر مشاغل، اشخاص حقوقی و... محاسبه نمود.

فهرست منابع

- ۱- توتاخانه، بهنام (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین ترکیب هیات مدیره به عنوان یکی از معیارهای راهبردی شرکتی، با عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، تهران. دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲- حسنی، محسن و سعیده شفیعی (۱۳۸۹). تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه های مشاغل و اشخاص حقوقی. پژوهشنامه مالیات. شماره پیاپی ۵۶.
- ۳- موسوی جهرمی، یگانه، فرهاد خداداد کاشی و مینو زیارتی (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین درجه تمرکز بازار و نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها: مطالعه موردی صنایع لاستیک و پلاستیک ایران. فصلنامه تخصصی مالیات، دوره جدید. شماره هفتم.
- ۴- باباجانی، جعفر، مجید عبدی (۱۳۸۹)، رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها، پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم.
- ۵- حسنی، محسن ، سعیده شفیعی (۱۳۸۹)، تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه های مشاغل و اشخاص حقوقی، پژوهشنامه مالیات، دوره جدید، شماره هشتم.
6. Abdullah S.N. (2009). "Board composition, CEO duality and performance among Malaysian listed companies". *Corporate Governance* No.4.
7. Bushee B. J., Carter M. E, Gerakos J. (2008). Institutional Investor Preferences for Corporate Governance Mechanisms. Working paper, University of Pennsylvania.
8. Desai, M., Dyck, I., Zingales, L.(2007). Theft and taxes. *Journal of Financial Economics* 84, 591-623.
9. Fernandese N. (2007). "EC: Board compensation and firm performance: The role of "independent" board members". *Journal of multinational financial management*.
10. Gul, F. A.(2006). Auditors response to political connections and cronyism in Malaysia. *Journal of Accounting Research* 44(5), 931-963.
11. Kapopoulos, P. and S. Lazaretou (2007). "Corporate Ownership Structure and Firm Performance: Evidence from Greek Firms." *Corporate Governance: An International Review*. Vol. 15, No. 2, pp.144-158.

12. Lefort F., Urzua F. (2007). " Board independence, firm performance and ownership concentration: Evidence from Chile". Journal of Business Research.
13. Lefort F., Urzua F. (2010). " Board independence, firm performance and ownership concentration: Evidence from Chile". Journal of Business Research.
14. Mahenthiran.S. (2011). Corporate Governance, and Culture on Tax Policy: Evidence from Malaysia. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1752526>.
15. Sobarzo H. (2004), "Tax effort and tax potential of state governments in Mexico: A representative tax system", Working Paper No: 315.
16. Sartori, Nicola (2008). " Effects of strategic tax behaviors on corporate governance". September 1, university of Michigan.
17. Wahab, E. A., How, J. C. Y., Veerhoeven, P.(2007). The impact of the Malaysian code on corporate governance: Compliance, institutional investors, and stock performance.